



حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيباً﴾ (۶۳) **إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ**
وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعيراً (۶۴) **خَالِدِينَ فِيهَا أَبَداً لَا يَجِدُونَ فِيهَا وَلِياً وَلَا نَصِيراً** (۶۵) **يَوْمَ ثَقَلَتْهُمُ أَغْصَانُ النَّارِ يَوْمَ لَا يُفْصِحُونَ**
وَأُخْرِجُوا مِنْهَا أَسْفَلُ السَّعِيرِ (۶۶) **وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَ** (۶۷) **رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ**
وَالْعَنَهُمْ لَعْناً كَبِيراً (۶۸) **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهاً** (۶۹)
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيداً (۷۰) **يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ**
فَازَ فَوْزاً عَظِيماً (۷۱) ﴿

تساوی مردان و زنان در حرمت نگاه به نامحرم

برخی از مسائل مربوط به مطالب قبل این است که گرچه اینجا بحث‌های فقهی است و در فن شریف فقه باید مطرح بشود اما خب گاهی در اثر ضرورت، اینجا هم طرح می‌شود. اصل اولی در نگاه این است که چه مرد چه زن مواظب چشمشان باشند نه مرد حق دارد نامحرم را نگاه کند نه زن حق دارد نامحرم را نگاه کند سوره مبارکه «نور» آیه سی به بعد بین زن و مرد از این جهت فرقی نگذاشت در آیه سی فرمود: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ أَبْصَارَهُمْ﴾ در آیه ۳۱ هم فرمود: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾ پس حرمت نگاه و نظر فرقی بین زن و مرد نیست نه مرد حق دارد نامحرم را ببیند نه زن حق دارد نامحرم را ببیند.

دلیل عدم وجوب پوشش در حدّ زنان برای مردان

مطلب دوم راجع به پوشش است بر مرد، پوشاندن واجب نیست برای اینکه کارهای جامعه به دست اوست او اگر بخواهد سر و صورتش را بپوشاند دستش را بپوشاند نمی تواند کار انجام بدهد پس وجوب ستر بر مرد نیست یعنی صورتش را بپوشاند مویش را بپوشاند دستش را بپوشاند - نه این طوری که متأسفانه الآن رواج پیدا کرده دست یعنی همین میچ و تا زند و اینها - بر او واجب نیست بپوشاند چون باید کار بکند اما بر زن لازم است که بپوشاند که مبدا در معرض نگاه قرار بگیرد لذا فرمود موی سر و گردن و گریبان را کاملاً بپوشاند ﴿وَلْيُضِرْبَنَّ بِخُمرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ﴾^۱ یعنی از سر تا گریبان همه را باید بپوشاند.

نبود تلازم بین عدم وجوب ستر وجه و کفّین و جواز نظر

مسئله وجه و کفّین را برخی ها استثنا کردند اما استثنا در وجوب ستر است نه جواز نظر یعنی اگر برخی از فقها (رضوان الله علیهم) فتوا دادند که بر زن پوشاندن صورت واجب نیست معنایش جواز نظر به صورت زن نیست مثل اینکه بر مرد پوشاندن صورت واجب نیست و زن حقّ نگاه ندارد این ﴿وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ یَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾^۲ زن ها نمی توانند مردها را نگاه کنند حالا پیرزن در همان سوره مبارکه «نور» فرمود قواعد از نساء که نسالها حرجی بر آنها نیست آیه شصت سوره مبارکه «نور» این بود ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ﴾^۳ البته ﴿وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ﴾^۴ غرض آن است که اگر برخی از فقها فتوا دادند که پوشاندن صورت بر زن واجب نیست معنایش جواز نظر نامحرم به صورت زن نیست مثل اینکه پوشاندن صورت بر مرد جوان واجب نیست ولی نگاه زن به او هم جایز نیست غرض، تلازم بین عدم وجوب ستر و جواز نظر نیست.

۱. سوره نور، آیه ۳۱.

پرسش:.... پاسخ: بله انسان که شکسته نگاه می‌کند اگر يك وقت هم چشمش افتاد آن نگاه تیز نیست حذف متعلق هم يدلّ على العموم و بحث هم درباره زن و مرد است معنایش این نیست که آسمان را نگاه نکنید زمین را نگاه نکنید این غضّ بصر راجع به طرف مقابل است معنایش این نیست که وقتی راه می‌روید جلوی‌تان را خوب نگاه نکنید آسمان را نگاه نکنید درخت را نگاه نکنید این بر اساس تناسب حکم و موضوع، راجع به زن و مرد است هم زن نگاهش را بشکند نه اینکه چشمش را ببندد راه برود با نگاه بسته و ضعیف حرکت کند که کنایه از آن است که باید کار خودش را انجام بدهد آسمان و زمین و راه و زندگی خودش را ببیند نامحرم را نبیند آن مرد هم همین‌طور است.

پرسش... پاسخ: بله دیگر بر اساس تناسب حکم و موضوع این است گرچه حذف متعلق نشانه عموم است برای اینکه تناسب حکم و موضوع راجع به نامحرم است منتها طریزی هم حرکت کند که اگر يك وقت نگاهش افتاد، گرفتار نشود این مسئله اول بود.

دلیل نبود تلازم بین عدم وجوب ستر وجه و کفّین و جواز نظر

فرع دوم این است که اگر برخی از فقها از مسئله ﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾ که ظاهرش این است از سر تا گریبان را بپوشاند اینها صورت را استثنا کردند معنایش این نیست که چون پوشاندن صورت واجب نیست نگاه نامحرم هم جایز است این تلازم نیست به دلیل اینکه بر مرد پوشاندن صورت واجب نیست ولی زن حقّ نگاه ندارد مخصوصاً جوان، در آن آیه شصت هم که زن‌های پیر را استثنا کرده خب مردان پیر هم از این جهت استثنا می‌شوند اگر مرد پیر را نگاه کند مشکلی نیست پس ﴿وَالْقَوَاعِدُ﴾ از نساء حکم خاصّ خودشان را دارند این مربوط به مسئله نگاه و پوشاندن و امثال ذلك.

اما آنچه مربوط به صلوات است صلوات را ذات اقدس الهی به ما فرمود که بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) صلوات بفرستید خصوصیاتش را روایات مشخص کرده مثل سایر مطلقاتی که درباره نماز و روزه و حج و زکات هست ولی خصوصیاتش را روایات مشخص کرده که فرمود بگویند: «اللهم صل»^۲ حالا این رجحان صلوات که مطلق است مورد وجوبش شب و روز^۱ حالت است یعنی نماز صبح يك بار، نماز ظهر دو بار، نماز عصر دو بار جمعاً می شود پنج بار، نماز مغرب دو بار می شود هفت بار و نماز عشاء هم می شود دو بار جمعاً می شود نه بار این نه بار شب و روز واجب است وقتی میلیون ها نفر مشمول این تکلیف باشند میلیون ها حکم تکلیفی است پس نمی شود گفت این آیه نازل شده است يك مصداق دارد نه خیر، مصادیق فراوان فی اقطار الأرض دارد چون زمین گروی است در هر وقتی بالأخره برخی مشغول نماز هستند «فی مشارق الأرض و مغاربها» پس میلیاردها مصداق دارد نمی شود گفت این آیه آمده يك مصداق داشت.

محفوظ بودن رجحان صلوات در تمام لحظات عمر

مطلب دیگر اینکه آن رجحانش سر جایش محفوظ است مثل اینکه حج در تمام مدت عمر يك بار واجب است برای مستطیع ها اما برای غیر مستطیع و همچنین مستطیع ها بعد از انجام فریضه این رجحانش سر جایش محفوظ است در طول سال ها، عمره همین طور است پس گاهی بعضی از احکام در تمام مدت عمر يك بار واجب است مصادیق مستحبّه اش فراوان است یا سالی يك بار است مصادیق مستحبّه دیگر دارد یا هفته ای يك بار است مصادیق مستحبّه ای دارد در جریان مسائل مالی هم همین طور است این صلوات، واجبش در آن نه مورد است مستحبّش هم که مصادیق فراوانی دارد.

۲. سعد السعود (سید بن طاووس)، ص ۲۰۴، التفسیر الکبیر، ج ۲۵، ص ۱۸۲.

روایات بیان کننده کیفیت صلوات

پرسش:.... پاسخ: حالا آن بلند فرستادن يك راه دیگری دارد ولی بالأخره در اماکن عمومی در حرم‌ها در حضور پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) مخصوصاً فرمود صدایتان را بلند نکنید ﴿لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ﴾^۳ حالا يك مسئله است که کیفیت فرستادن صلوات بلند باشد یا نه، جهر باشد یا اخفات آن يك مطلب است مثنی باشد یا فرادا آن يك مطلب است ولی اصل تکرر واجبش شب و روز بر هر فرد مکلف نه بار و میلیون‌ها مکلف در عالم وجود دارد بر اساس کرویّت زمین هر لحظه يك جا، جای نماز است پس مرتب این صلوات دارد اجرا می‌شود، گاهی هم عمری يك بار واجب است بقیه می‌شود مستحب مثل حج و امثال ذلك اما کیفیتش را البته باید روایات بگویند مثل کیفیت نماز و زکات و روزه را هم روایات مشخص کرده.

دلالت صریح آیات قرآنی بر امر شدن پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) به صلوات بر مؤمنین

مطلب دیگر اینکه درباره پیغمبر و اهلش(علیهم الصلاة و علیهم السلام) روایات داریم اما درباره مؤمنین که فرمود: ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾^۴ در همین سوره مبارکه «احزاب» که فرمود او بر شما که مؤمن هستید صلوات می‌فرستد به دیگران دستور نرسیده که شما هم بر مؤمنین صلوات بفرستید درباره سلام وارد شده است که «السلام علينا و على عباد الله الصالحين»^۵ اما درباره صلوات فقط خطاب به وجود مبارك پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) بالصراحه آمده که شما بر اینهایی که وجوهاتشان را ادا می‌کنند خدماتی دارند صلوات بفرستید در سوره مبارکه «توبه» در دو بخش، صلوات رسول مطرح است یکی در هنگام گرفتن وجوه شرعی مثل زکات، آیه ۱۰۳ سوره مبارکه «توبه» این بود ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ

۳. سوره حجرات، آیه ۲.

۴. سوره احزاب، آیه ۴۳.

۵. الکافی، ج ۳، ص ۳۳۸.

عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ ﴿﴾ یکی هم در همان سوره مبارکه «توبه» آیه ۹۹ این است ﴿وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ﴾ یعنی برخی از مؤمنین اند که قدم های خیر برمی دارند کمک های مالی می کنند لوجهین: یکی قربه الی الله، یکی شمولاً لصلوات الرسول هم قربه الی الله نصیبشان می شود هم صلوات پیامبر شامل حالشان می شود مستحضرید که جریان «الصلوة قربان کل تقی»^۶ همین تعبیر درباره زکات هم آمده^۷ یعنی نماز، وسیله تقرّب نمازگزار به خدای سبحان است زکات و صدقه و ادای وجوهات شرعی هم وسیله تقرّب آن مؤدّی به ذات اقدس الهی است اینجا فرمود این کار خیر هم مایه قربات عند الله است هم مایه بهره مندی از صلوات رسول حالا چه انسان به خود حضرت عطا بکند چه کار خیر، آن آیه ۱۰۳ که فرمود: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ﴾ آن خطابش مشخص است اما این آیه ۹۹ فرمود: ﴿وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ﴾ یعنی برخی ها هستند - اعراب که خصوصیتی ندارند - که اینها خدماتی انجام می دهند لوجهین یکی قربه الی الله یکی هم نیلاً لصلوات الرسول البته صلوات رسول هم برای تحصیل همان تقرّب است لذا در بخش بعدی فقط مفرد ذکر شده دیگر سخن از دو چیز نیست ﴿قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾.

ضرورت تأسی به پیامبر، دلیل در فرستادن صلوات بر مؤمنین

اگر ما بنا شد که به وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تأسی بکنیم می شود بر مؤمنین، اولیای الهی، علما، صدیقین، صلحا، شهدا هم صلوات فرستاد اینکه وقتی خواجه نصیر نام مبارک سید مرتضی را در درس می برد مطلبی را از سید مرتضی نقل می کرد می گفت «صلوات الله علیه» برای رفع اعجاب شاگردانش می گفت «کیف لا

۶. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۵؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۳۶.

۷. الکافی، ج ۵، ص ۳۷؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹.

يُصَلِّي عَلَى الْمُرْتَضَى»^۸ غرض این است که این امکانش هم هست و البته تأدبش این است که رجائاً این کارها انجام بشود.

پرسش: ... پاسخ: بله این به همان قرینه داخلی است برخی‌ها خواستند از این تکرر نجات پیدا کنند لذا با ضمیر خواستند حل کنند با اینکه با ضمیر هم مسئله حل نمی‌شود به خاطر همین قرینه داخلی که لا يلزم الدور، گفتند خود این مستثناست.

بررسی نسخ آیه ﴿لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ﴾ در نظر امامیه

این آیه ﴿لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ﴾ هم که ملاحظه فرمودید این هم يك بحث عمیق فقهی دارد که این در کتاب‌های فقهی در آیات الأحکام در بحث خصائص النبی البته مطرح است. مرحوم جمال‌الدین مقداد سیوری ایشان می‌فرمایند این آیه ۵۲ که دارد ﴿لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ﴾ قبل که نسخ شده است به وسیله آیه پنجاه که ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنْ أَهْلَلْنَا لَكَ﴾ علی وجه بعد می‌فرماید «و هو فتویٰ اصحابنا» اصحاب ما امامیه نظرشان این است و به وسیله آیه ﴿تُرْجَىٰ مِنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ﴾ که دو تفسیر داشت علی الوجه الأول بعد می‌فرمایند گرچه این دو آیه قرائتاً قبل از آیه ﴿لَا يَحِلُّ﴾ هستند ولی نزولاً بعد از این واقع شدند.^۹

تبیین وجوه ثلاثه در تفسیر ﴿بَعْدُ﴾ در آیه ﴿لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ﴾

مطلب بعدی آن است که سه وجه در این ﴿لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ﴾ هست ایشان بعد از ذکر آن نص، این سه وجه را ذکر می‌کند بعد می‌فرماید این هم فقط فایده علمی دارد برای اینکه ما حالا وقتی گفتیم نسخ شده است هیچ کدام از آن وجوه ثلاثه راه ندارد. ﴿لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ﴾ وجه اول این است که بعد از این نه همسری که داری از این به بعد دیگر زن بر شما حلال نیست این وجه اول، دوم اینکه ﴿لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ﴾ یعنی بعد این آیه

۸. الکنی و الألقاب، ج ۲، ص ۴۸۲.

۹. کنز العرفان، ج ۲، ص ۲۴۴.

﴿إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ﴾ سوم اینکه ﴿لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ﴾ یعنی بعد از آن محرماتی که در سوره «نساء» آمده که این

دیگر خصیصه‌ای برای پیغمبر نیست روایتی که از وجود مبارك امام صادق (سلام الله علیه) رسیده است این سومی را تأیید می‌کند بعد می‌فرماید چون فتوای اصحاب ما این است که این آیه منسوخ است به آیه ﴿إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ﴾

هیچ کدام از این سه وجه صبغه فقهی ندارد فقط يك اثر علمی دارد که چنین چیزی گفته شده، بعد می‌گویند روایتی

که از وجود مبارك امام صادق (سلام الله علیه) رسیده است ضعیف است چون موافق با اجماع اصحاب نیست

بنابراین چه در اصل ازدواج که طلاق بدهد همسر دیگر بگیرد یا معامله‌ای را فسخ کند و آیه دیگر بخرد هیچ کدام

از اینها محدودیتی ندارد این طبق نظر مرحوم جمال‌الدین سیوری در کنز‌العرفان است^{۱۰} البته چون حکم فقهی است

و جزء خصائص‌النبی است از دو نظر باید جداگانه در فقه بحث بشود.

بررسی راه‌های نجات و عدم کارآیی آن برای کفار در قیامت

مسئله قیامت فرمود اینها چهارتا مشکل دارند اینها که حجّت الهی بر اینها تمام شده است هیچ راهی برای

عذرخواهی و برگشت اینها نگذاشتند اینها چهارتا مشکل جدی دارند یکی اینکه این خطر قطعی را دیگری برای

اینها حل نمی‌کند هیچ ولایتی ندارند برای اینکه از تحت ولایت هر ولی‌ای بیرون آمدند ﴿لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا﴾ این نکره

در سیاق نفی است که کسی مشکل اینها را حل نکند بالقول المطلق نیست دوم اینکه نصیر ندارند نصرت

همان‌طوری که قبلاً ملاحظه فرمودید این است که بخشی از کار را خود آدم انجام بدهد بخش دیگر را معین و معاون

او به عهده بگیرد این را می‌گویند نصیر آن اولی را می‌گویند ولی، فرمود اینها نصیر هم ندارند. سوم اینکه اگر کسی

هیچ پناهگاهی نداشت وقتی خطری پیش آمد بالأخره با دست جلوی چشمش را می‌گیرد جلوی صورتش را

می‌گیرد چون مهم‌ترین عضو چشم و صورت اوست آسیب نبیند فرمود این عذاب ما مستقیماً با چشم و صورت او

کار دارد دست و پای او بعد گرفتار می‌شوند و هیچ قدرتی ندارند که با دستشان جلوی صورتشان را بگیرند ﴿يَوْمَ

تُقَلَّبُ وَجُوهُهُمْ﴾ ما تنگاتنگ اول به صورتشان حمله می‌کنیم چهارم اینکه اگر بخواهند مشکل روانی‌شان را حل کنند بگویند عده‌ای باعث شدند که ما به دام افتادیم این هم راه حل ندارد برای اینکه اگر حجت الهی بالغ نشود که کسی معذب نمی‌شود این چهارمی هم مشکل آنها را حل نمی‌کند برای اینکه اگر اینها بگویند ﴿رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا * رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا﴾ این در سوره مبارکه «اعراف» همین مطلب مبسوطاً گذشت که آنجا خود آن کُبراء به اینها می‌گویند خب رهبران الهی هم بودند شما می‌خواستید حرف آنها را گوش بدهید آیه ۳۸ سوره مبارکه «اعراف» این بود: ﴿قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا﴾ سابق و لاحق هر دو به آتش افتادند ﴿قَالَتْ أَخْرَاهُمُ لَأُولَاهُمْ﴾ این متأخرین درباره پیشکسوتانشان می‌گویند ﴿رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا﴾ خدایا اینها ائمه کفر بودند اینها ما را گمراه کردند ﴿فَاتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ﴾ آن‌گاه خدای سبحان می‌فرماید: ﴿لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ آنها عذابشان دو برابر است شما هم عذابتان دو برابر است يك عذاب برای اصل ارتکاب گناه است عذاب دوم آنها برای اینکه شما را گمراه کردند عذاب دوم شما برای اینکه شما با داشتن رهبران الهی به دنبال اینها راه افتادید پس شما هم دو گناه دارید منتها حساب نکردید ﴿قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ این است که در آن آیه سوره مبارکه «اعراف» حجت را خدای سبحان تمام کرده دیگر اینها راهی ندارند.

بی‌مورد بودن سؤال از زمان برپایی قیامت

مطلب بعدی آن است که در جریان قیامت که فرمود: ﴿يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ﴾ در خیلی از موارد است که آنها سؤال می‌کنند قیامت چه وقت قیام می‌کند فرمود هیچ کسی وقت قیامت را نمی‌داند وجود مبارك پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود قیامت علمش نزد خداست لکن طرزی این آیات تنظیم شده است که گویا الآن ما در کشتی قیامت نشسته‌ایم این کشتی قیامت يك وقت لنگر می‌اندازد این سؤال را چه کسی کرده چه کسی یادشان داده

این طور سؤال بکنند سؤال این است که چه وقت ساعت، لنگر می اندازد ﴿إِيَّانَ مُرْسَاهَا﴾^{۱۱} مُرسا یعنی لنگر، الآن این کشتی وجود دارد (يك) روی دریا حرکت می کند (دو) در حال حرکت است (سه) يك وقت هم باید لنگر بیندازد (چهار) این سؤال از کجا برخاست چه کسی سؤال کرد چه کسی یادشان داد شما این طور سؤال بکنید سؤال سائلان درباره قیامت این است که پیامبر! این قیامت چه وقت لنگر می اندازد ﴿إِيَّانَ مُرْسَاهَا﴾ چه وقت لنگر می اندازد چه کسی حالا یادشان داده این طور تعبیر بکنند معلوم می شود قیامت موجود است مثل کشتی است که در دریاها دارد حرکت می کند ما هم در این کشتی نشسته ایم این کشتی يك وقت لنگر می اندازد می گوید آقایان پیاده شوید این یعنی چه؟!

قدرت لایزال الهی مانع ورود در بعضی از حریم ها

گاهی انسان به آیاتی می رسد که اصلاً به خودش اجازه ورود در آن حریم را نمی دهد ﴿وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ﴾^{۱۲} قبلاً هم این بحث گذشت که کاری از این مهم تر در عالم قابل فرض نیست آن کار این است که کل این نظام برچیده بشود دوباره ساخته بشود کاری از این بزرگ تر در عالم فرض دارد قیامت وقتی بخواهد قیام کند ﴿إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ﴾^{۱۳} چطور قیام می کند ﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ﴾^{۱۴} یعنی «تبدل السماوات غیر السماوات، تبدل الأرض غیر الأرض» این دو کار است یعنی کل این نظام من العرش الى الفرش اینها به هم می خورد دوباره ساخته می شود فرمود این يك لحظه است ﴿وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ﴾ این است که اصلاً به ذهن در نمی آید به حساب در نمی آید. در سوره مبارکه «جن» وقتی مسئله معاد را مطرح فرمود، آیه ۲۴ به بعد سوره مبارکه «جن» این است ﴿حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا * قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا﴾ به اینها بگو آنچه شما وعید داده می شوید من

۱۱. سوره اعراف، آیه ۱۸۷.

۱۲. سوره نحل، آیه ۷۷.

۱۳. سوره حج، آیه ۱.

۱۴. سوره ابراهیم، آیه ۴۸.

فی دایم نزدیک است یا مدتی باید بگذرد این مسئله معاد است بعد فرمود: ﴿عَالَمُ الْغَيْبِ﴾ این غیب الف و لامش یا جنس است که معاد را هم شامل می شود یا الف و لامش عهد است عهد ذکری، عهد ذهنی که قدر متیقنش همین معاد است عَالَم به ﴿الْغَيْبِ﴾ است اگر ﴿الْغَيْبِ﴾ جنس بود معاد را شامل می شود اگر عهد ذکری و ذهنی بود خصوص معاد است ﴿عَالَمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهَرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا * إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ﴾.

روشن بودن مسئله معاد برای پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)

بنابراین اگر ذات مقدس پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هست او که به ﴿دَنَا فَتَدَلَّى﴾^{۱۵} رسیده ظاهر عالم، باطن عالم، گذشته عالم، آینده عالم مشهود اوست او که می فرماید: «لَوْ كُشِفَ الْغَطَاءُ مَا ازددت یقیناً»^{۱۶} آن را می بیند، بنابراین برای آن ذوات قدسی مسئله معاد و قیامت روشن است که علم اینها در آن محدوده به اذن خدا توسعه دارد اما بالأخره برای توده مردم قابل حل نیست برای خیلی از خواص قابل حل نیست و دانستنش هم برای انسان خطر دارد می گوید ممکن است من حالا وقتی درازمدت است هنوز فرصت داریم آخر من توبه می کنم در حالی که به تعبیر سیدنا الاستاد مرحوم علامه طباطبایی اگر کسی این استغفار را وسیله گناه قرار بدهد بگوید گناه می کنیم بعد هم استغفار می کنیم این دو گناه کرده یکی خود گناه را مرتکب شده یکی اینکه حریم استغفار را حفظ نکرده استغفار را به استهزا گرفته حالا گناه می کنیم بعد استغفار می کنیم حالا پیر شدیم بعد توبه می کنیم این گرفتار دو گناه است این طور نیست که حریم استغفار را حفظ نکرده باشد گناه نکرده باشد غرض این است که چنین چیزی هم هست حالا آنها نه مقدور ماست نه ما مکلفیم آنها را بفهمیم ولی اجمالاً احتمال علمی آنها را می دهیم برای اینکه ظاهر آیات سوره «جن» این است که ﴿عَالَمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهَرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا * إِلَّا مَنْ ارْتَضَى﴾ بنابراین اگر اهل بیت بفرمایند ما مسئله معاد را می دانیم ظاهر آیه قرآن تأیید می کند براهین عقلی هم البته ناظر به این قسمت است و حمایت می کند.

۱۵. سوره نجم، آیه ۸.

۱۶. غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۱۹، ح ۲۰۸۶.

فهم دقایق قرآن در انحصار پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)

پرسش:.... پاسخ: آنها می گویند اصل قرآن را نمی فهمیم، آن دقایق را هیچ کس نگفت می فهمیم، دقایق را غیر از اهل بیت کس دیگری نمی تواند بفهمد برای اینکه این قرآن کریم مثل حبل متینی است که يك طرفش به دست خداست يك طرفش به دست ما، این اول سوره مبارکه «زخرف» دارد که ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^{۱۷} پس کاملاً ما قرآن را می فهمیم برای اینکه برای علم ما نازل کرده مراحل نازلش را می فهمیم، میانی اش را می فهمیم، بالاترش را می فهمیم تا آنجا که مکلفیم باید بفهمیم و معتقد بشویم و متخلق بشویم و عمل بکنیم می فهمیم اما آن اوج مراتب که فرمود آن قلّه اش نزد ماست آن نه عبری است نه عربی نه سریانی، نه تازی، نه فارسی ﴿وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلَىٰ حَكِيمٍ﴾^{۱۸} بله ما آنجا را نمی فهمیم، دسترسی به آن هم نداریم راه هم به آن نداریم مأمور هم نیستیم مکلف هم نیستیم اما این بخشی که فرمود: ﴿لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ کاملاً می فهمیم برای ما حجت الهی هم روشن است.

پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) عالم به غیب نسبی با تعلیم الهی

پرسش:.... پاسخ: خب آن غیبی که هست بالأخره به اعلام الهی است.

پرسش: غیب نسبی هست یا نه؟

پاسخ: غیب نسبی را به تعلیم الهی می دانند نه از خودشان فرمود: ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا * إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ﴾ در بعضی از روایات هم ائمه (علیهم السلام) اشاره کردند ما هم جزء مرتضی هستیم^{۱۹} غرض آن است که کسی از نزد خود به غیب علم داشته باشد این نیست اما ﴿فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا * إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ

۱۷. سوره زخرف، آیه ۳.

۱۸. سوره زخرف، آیه ۴.

۱۹. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۳۴۳.

رَسُولٌ و نَبِيٌّ و وَلِيٌّ و اِمَامٌ و صَدِيقٌ و صَالِحٌ و شَهِيدٌ آن غیب‌های مراحل نازل و وَسْطَا آن البته ممکن است این اظهارش یعنی آگاه کردنش به عنایت الهی است.

بنابراین احتمال اینکه وجود مبارك حضرت بداند هست عمده آن است که ما الآن در کشتی قیامت هستیم این کشتی متحرک است و کشتی‌بان هم این را دارد رهبری می‌کند يك وقت هم لنگر می‌اندازد ﴿اَيَّانَ مُرْسَاها﴾ این از دقیق‌ترین سؤال‌هایی است که درباره مسئله معاد مطرح است.

بررسی محدوده ممنوعیت رنجش پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)

بعد از این بیانات فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى﴾ در سوره مبارکه «صف» هم هست^{۲۰} فرمود نظیر امت‌های گذشته نباشید نظیر بنی اسرائیل نباشید که پیامبرشان را رنجاندند شما هم در جریان همسر زید دهنتان باز باشد هر حرفی را بزنید این طور نباشد اینها روح مطهر پیامبر را می‌رنجاند آزار می‌کند نظیر یهودیانی نباشید که پیامبرشان را آزار کردند ﴿لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا﴾ آنچه درباره حضرت موسی (سلام الله علیه) گفتند ذات اقدس الهی موسای کلیم را تبرئه کرده آنها را هم قهراً تنبیه کرده فرمود مواظب زبانتان باشید ﴿فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِهاً﴾ موجه بود حالا این اختصاصی به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دارد؟ فرمود نه، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيداً﴾ از گناه پرهیز کنید (يك) و حرف متقن و محکم بزنید (دو) این قول در مقابل فعل نیست اینکه در سوره «ق» دارد ﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾^{۲۱} این قول در مقابل فعل نیست بلکه «ما يلفظ من قول، ما يكتب من كتاب، ما يفعل من فعل»^{۲۲} لایه رقیب عتید «انسان» «لا يقوم و لا يقعد الا لایه رقیب عتید» منتها حالا قول را به عنوان شاخص ذکر کردند. فرمود قول سدید داشته باشید یعنی فعل سدید داشته باشید قول اگر صدق و حق باشد سدید است اگر کذب و

۲۰. سوره صف، آیه ۵.

۲۱. سوره ق، آیه ۱۸.

باطل باشد خفیف و تهی مغز است در قیامت اعمال برخی‌ها، ترازوی بعضی‌ها سبک است ﴿خَفَّتْ مَوَازِينُهُ﴾^۱ برای اینکه افعال و حرف‌های سنگین ندارند قول سدید آن است که مطابق با حق باشد مستحضرید که حق، برای خیر بودن و صلاح و فلاح بودن تمام‌الموضوع است اما صدق، تمام‌الموضوع نیست مقتضی خیر است برای اینکه گاهی صدق است اما خیر نیست آن کسی که غیبت می‌کند کارش صدق است آن کسی که نَمّامی می‌کند کارش صدق است لکن حق نیست صدق باید حق باشد عمل باید عدل باشد اگر عدل بود خیر است اگر حق بود خیر است و مانند آن.

راهکار رسیدن به تابعیت از خدا و پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلّم) در رسیدن به فوز عظیم

فرمود قول سدید داشته باشید اگر این کارها را کردید گفتارتان، رفتارتان مُتَقِن و علمی بود بی‌برهان نبود بی‌دلیل نبود آنجا هم که دلیل دارید نظم جامعه را، امنیت جامعه را، امانت جامعه را، عرض و آبروی جامعه را حفظ کردید خدا چند کار می‌کند یکی اینکه بالأخره شما اعمالی که دارید این اعمالتان که صد درصد درست نیست برخی از اعمالتان مشکل دارد ذات اقدس الهی این اعمالتان را اصلاح می‌کند فرمود: ﴿يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ﴾ (يك) اگر شما این کارها را کردید یعنی قول سدید داشتید نوشته‌هایتان عالمانه بود گفتارتان، تبلیغتان محققانه بود ﴿يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ﴾؛ دو: ﴿وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾ اگر لغزشی داشتید آن لغزش‌ها را خدا می‌آمرزد این دو کار را می‌کند بعد مژده هم داد که ﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ شما که با قول سدید تابع خدا و پیامبرید ذات اقدس الهی به شما فوز عظیم عطا می‌کند فوز عظیم وقتی خدا آن را به عظمت یاد کند معلوم می‌شود خیر دنیا و آخرت را به همراه دارد.

«و الحمد لله ربّ العالمين»

۱. سوره اعراف، آیه ۹؛ سوره مومنون، آیه ۱۰۳؛ سوره قارعه، آیه ۸.